

خاطراتی از جنس نقض قانون

گروه بین‌الملل: انتشار کتاب خاطرات «جرج بوش» رئیس‌جمهوری سابق آمریکا در روز سه‌شنبه ۹ نوامبر با عنوان «نقاط تصمیم» در ۴۹۷ صفحه بار دیگر وی را در مرکز نقل توجه محافل سیاسی، رسانه‌ها و افکار عمومی داخلی و خارجی قرار داد. رئیس‌جمهوری سابق آمریکا در خاطرات خود اکثر اتهامات مخالفان خود در خصوص نقض قوانین بین‌المللی را به بهانه دفاع از شهروندان این کشور تایید می‌کند. این درست پیروی از همان مند حکومتداری وی در دوران ریاست‌جمهوری خود است که همواره توسط سیاستمداران مخالف، جنبش ضدجنگ و فعالان حقوق بشری مورد انتقاد قرار می‌گرفت. این جنبه از موضوع بیش از آنچه به تصمیمات فردی بوش ار‌نباط داشته باشد بازخوانی یک دوره تاریخی از عملکرد ایالات متحده است که پس از فروپاشی جهان دوقطبی سیاست یکجانبه‌گرایی و اعمال هژمونی بلامنازع را در دستور کار خود قرار داده بود. انتشار این کتاب خاطرات به این دلیل چیز تازه‌ای در خود نداشته و تکرار واقعیات مطرح شده قبلی توسط منتقدان وی است که دقیقاً منطق بر این مولفه حاکم بر تفکرات جرج بوش و نتوگان‌های حاکم بر واشنگتن در آن دوران تاریخی است. چنانچه خاطرات مرد تکرارسی از این منظر مورد ارزیابی قرار گیرد هیچ ابهامی در موارد و مباحث مطرح‌شده وجود نخواهد داشت و این کتاب تنها به عنوان یک سند تاریخی برای تحلیل و استناد حقوقی در آینده دارای اهمیت تلقی خواهد شد. بوش خواسته یا ناخواسته در خاطرات خود مدارک و مستندات را در معرض قضاوت افکار عمومی و نهادهای حقوقی قرار می‌دهد که قبل از این هر چند کاملاً آشکار بوده است اما هم‌اینک با اعتراف در بالاترین سطوح سیاسی نسبت به اعمال انجام‌شده می‌تواند فصل‌الخطاب حقوقی، سیاسی و اخلاقی برای تحقیق، رسیدگی و بازتعریف نقش پارادوکسیکال یک قدرتمند هژمون در تقابل با معاهدات و حقوق بین‌الملل باشد. قبل از آن «تونی بلر» نخست‌وزیر بریتانیا و بار گزمابه و گلستان بوش نیز در کتاب خاطرات خود به نام «سفر» تا حدود زیادی بر مباحث مطرح‌شده در خاطرات رئیس‌جمهوری آمریکا تاکید کرده بود. ظاهراً حمله به عراق و تمام تبعات انسانی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و اخلاقی این جنگ کثیف بارها در مرور خاطرات بوش در وی «حالت تهوع» به وجود آورده است اما همین که صدام‌حسین دیگر در این دنیا نیست گویا جهان امن‌تر شده است. وی عامدلانه فروموش می‌کند به این سوال مهم پاسخ دهد که سود و زیان این «بود» برای مردم عراق و به هم خوردن مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای چه اندازه هزینه بار آورده است. بوش در فرازی از کتاب خاطرات خود گریزی نیز به تنفر افکار عمومی از جایگاه دیک چنی مرد سیاه دولت خود طی هشت سال زمامداری می‌زند و می‌گوید قصد داشته او را کنار



بگذارند اما به واسطه توانایی‌های مرد شماره دو واشنگتن از تصمیم خویش منصرف شده است. در این نکته هم یک تناقض شکلی و ماهوی وجود دارد و آن اینکه اگر وی به جایگاه منفی چنی واقف بوده است تنها دلیلی که می‌تواند این نقطه تصمیم را توجیه کند همان اصرار بر وجود «دولت کثیف» برای رسیدن به مقاصد و اهداف نامشروعی است که چنی بهترین کارگزار آن می‌توانست به حساب آید. مهم‌ترین چالش حقوقی در کتاب خاطرات بوش، پذیرش مسوولیت اقدام به شکنجه حداقل در خصوص «واتربردینگ» است که وی در توجیه آن تنها به مورد «خالد شیخ محمد» یکی از طراحان احتمالی حادنه تروریستی ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کند. در این مورد به خصوص چند نکته مهم وجود دارد که هر کدام می‌تواند ابهامات زیادی را به دنبال داشته باشد. اساساً دستور اعمال شکنجه به هر دلیلی در قوانین بین‌المللی و قانون اساسی ایالات متحده غیرقابل پذیرش تلقی شده و اقدام به آن یک جرم آشکار به حساب می‌آید. شکنجه القای مصنوعی خفگی تحت عنوان واتربردینگ بر اساس اطلاعات مستند منتشرشده تنها در مورد خالد شیخ محمد اعمال نشده چراکه اکنون مشخص شده است این رویه اقرارگیری در زندان گوانتانامو، زندان ابوغریب در عراق، زندان بگرام در افغانستان و بازداشتگاه‌های سری سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به کرات و در مورد بسیاری از زندانیان اعمال شده است. با استناد به اطلاعات به دست‌آمده مشخص شده است استفاده از شکنجه سازمان‌یافته از جمله روش واتربردینگ برخلاف ادعای بوش یک رویه عام بوده که بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر استفاده شده است. به همین دلیل سازمان عفو بین‌المللی درست در همان روز انتشار کتاب خاطرات بوش رسماً نسبت به این رویه سیستماتیک شکنجه توسط مقامات ارشد آمریکا در طول این دوران سیاه از واشگتن توضیح خواسته و بنا به گفته یکی از سخنگویان آن، سازمان عفو بین‌المللی نسبت به نقض آشکار قوانین بین‌المللی ضدشکنجه از نظر گرفت و آن اینکه در حد رئیس‌جمهوری آمریکا خود را موظف به بیان بخشی از حقایق وپذیرش مسوولیت اقدامات خود می‌داند. به گفته جرج بوش در مصاحبه با ان‌بی‌سی تاریخ پس از مرگ وی در مورد او قضاوت خواهد کرد این در حالی است که در جهان دیجیتال امروز تاریخ قضاوت خود را در زمان حال انجام داده و فرصت قضاوت تا زمان مرگ را از شخصیت‌ها مهم جهان سلب می‌کند.

بحران اخلاقی و اقتصادی سرزمین آفتاب تابان را تهدید می کند غروب ژاپنی

ترجمه: محمدعلی فیروز آبادی

آن مرد ژاپنی که نام وی در بایگانی‌های توکیو به عنوان کهنسسال‌ترین مرد پایتخت ثبت شده بود در واقع مرده‌ای است که در بستر خوابیده و این جسد مرد ظاهر ۱۱۱ساله مومیایی شده است.

به گفته دختر ۸۱ساله و نوه‌هایش این مرد یعنی «ژوگن کاتو» نزدیک به ۲۰ سال پیش و بعد از یک مشاجره خانوادگی به اتاقش رفت و دیگر از آن اتاق خارج نشد اما خانواده وی مرگ او را پنهان کردند تا به این صورت از حقوق بازنشستگی و بیمه دولتی وی استفاده کنند. در بخش دیگری از توکیو اسکلت زنی پیدا شد که سن او ۱۰۴ سال سال تخمین زده می‌شود. اسکلت این زن در داخل کوله‌پشتی پسرش یافت شد. به گفته این پسر ۶۴ساله بعد از مرگ مادرش در سال ۲۰۰۱ جسد را شسته و سپس قطعه‌قطعه کرده و در درون کوله‌پشتی مخفی کرده است زیرا توانایی تامین هزینه مراسم تشییع و دفن جنازه را نداشته است. این موارد مخوف توکیو البته تنها به این دلیل که نام چند سالمند فوت‌شده به صورت غیرقانونی هنوز هم در لیست افراد زنده باقی مانده است اهمیت ندارد زیرا دولت طی یک بررسی سریع متوجه شد در سراسر این کشور پر جزیره بیش از ۲۳۴ هزار نفر بالای یکصد سال سن دارند؛ افرادی که احتمالاً مرگ آنها گزارش و ثبت نشده است.

آنچه بیش از هر چیز موجب نگرانی مردم ژاپن می‌شود این آمارهای مخدوش نیست بلکه آگاهی از محو تدریجی فضیلت‌ها و ارزش‌های معنوی این جامعه و به عبارت بهتر محو تدریجی آن جامعه هماهنگ با همبستگی و پیوستگی میان نسل‌هاست. این کشور که زمانی کشور شماره یک آسیا به شمار می‌آمد دچار بحرانی دائمی است که نقطه آغاز آن البته به دو دهه پیش بازمی‌گردد؛ بحرانی که فقر فزاینده تنها یکی از نشانه‌های آن است. ژاپن به اخبار ناگوار و تلخ عادت کرده است؛ در ماه آگوست این کشور جایگاه خود به عنوان دومین پیشرفته است برای حل مشکل افراد سالخورده از روبات‌های پرستار کمک بگیرند اما این راه‌حل هم همه مشکلات را حل نمی‌کند. «شینتارو ایشی هارا» فرماندار توکیو هشدار می‌دهد: «اگر به همین ترتیب ژاپنی‌ها زمانی به شدت در پی رسیدن به هدف یعنی پیشی گرفتن از غرب بودند. این هدف البته به گونه‌ای کاملاً متفاوت از آنچه ژاپن در روپایش بود، رقم خورد. به عنوان مثال آنچه به صورت تزییق پول در سال ۱۹۹۱ و پیامدهای منفی آن پیش آمد امری بود که تنها کشورهای صنعتی چون آلمان قادر به درک آن بودند.

آن به‌اصطلاح زوال و سقوط ژاپن از اواسط دهه ۸۰ آغاز شد. تزییق پول به اوج خود رسید و توکیو تحت فشارهای آمریکا مجبور به افزایش ارزش ین و افزایش قیمت صادرات خود شد. برای جبران زیان‌های مالی مقادیر هنگفتی پول به چرخه اقتصاد تزریق شد و بانک مرکزی نرخ بهره را به صورتی نامعمول کاهش داد. ژاپنی‌ها با پول فراوانی که در اختیار داشتند به شدت مشغول خرید و فروش سهام و املاک شدند و تنها زمین‌کاخ امپراتور در مرکز توکیو در آن زمان ارزشی برابر با کل ایالت کالیفرنیا پیدا کرد. و از آنجایی که مقدار زمین موجود در ژاپن کمات نمی‌کرد شرکت‌های ساختمانی با جدیت طراحی

ساخت شهرها در دریا و در کره ماه را آغاز کردند اما از آنجایی که این رشد عظیم اقتصادی برای بانک مرکزی ژاپن غیرعادی بود ناگهان نرخ بهره را به شدت افزایش داد. متعاقب این اقدام در وهله اول بورس توکیو و سپس بازار ملک سقوط کرد. دولت ژاپن هم برای آنچه هنوز نجات‌دانی بود بسته‌های جدید کمک‌های مالی در نظر گرفت و به این ترتیب رقم بدهی دولت ژاپن از دیگر کشورهای مهم صنعتی به شدت پیشی گرفت.

بی‌تردید امپراتوری توپوتا و پاناسونیک کشور یونان نیست که بتواند با خرج همسایه‌های اروپایی وضعیت خود را بهبود ببخشد. دولت ژاپن بیش از همه به شهروندان صرفه‌جوی خود بهکرا است. این مردم در حال حاضر تنها به فکر حفظ آبرو و وجهه خود هستند، این محله اشاره می‌کند و می‌گوید: «دیگر کسی همسایه‌های خود را نمی‌شناسد.

«آکیرا نیتومو» ۹۶ساله از ۱۰ سال پیش مدیریت بخش پرستاری از سالمندان حوزه آداجی توکیو را بر عهده دارد؛ همان منطقه‌ای که مومیایی ژوگن کاتو در آن پیدا شد. کارمندان این اداره در حال حاضر با دوچرخه این منطقه را برای یافتن سالمندان مفقودالثر می‌کاوند. نیتومو به ردیف خانه‌های چوبی آپارتمان‌های این محله اشاره می‌کند و می‌گوید: «دیگر کسی همسایه‌های خودش را نمی‌شناسد.» مردم این منطقه تقریباً در این مورد که در سال جاری چین به دلیل رشد صادرات مقام دومی جهان را از ژاپن گرفت چیز زیادی نمی‌دانند.

اما اولین پیامد این رویداد ورشکستگی شرکت‌های کوچک خدماتی در آداجی بود و البته تعدادی از این شرکت‌ها در زیرمجموعه کنسرسیوم‌های بزرگ به چین نقل مکان کردند. در وهله بعد مغازه‌ها تعطیل شدند و به این ترتیب آخرین مکان‌هایی که ساکنان منطقه در آن یگدیگر را ملاقات می‌کردند از بین رفت.

نیتومو می‌گوید: «ژاپنی‌ها هر روز بیشتر از دیروز تنها به زندگی خودشان فکر می‌کنند و سالمندان هم از این قاعده مستثنی نیستند. فرزندان بیکار آنها از حقوق بازنشستگی و پس‌انداز والدین زندگی خود را می‌گذرانند و سالخوردگان در واقع استثمار می‌شوند. مردم فقط و فقط به پول فکر می‌کنند.» حساب پس‌انداز دوران سالخوردگی در ژاپن برای بسیاری از خانواده‌ها آخرین امید اقتصادی به شمار می‌آید و این حساب در واقع جایگزین کمک‌های دولتی شده است. حتی کارخانه‌ها و شرکت‌های ژاپنی که زمانی یکی از کانون‌های اصلی جامعه ژاپن به شمار می‌آمدند نیز امروزه از ارائه خدمات به کارکنان خود ناتوان هستند. شرکت هواپیمایی ژاپن در آغاز سال جاری عملاً ورشکسته شد و از آن زمان با کمک‌های مالی دولت به کار خود ادامه می‌دهد. این شرکت که زمانی نماد بلندپروازی‌های ملی ژاپن بود در حال حاضر نزدیک به ۱۶هزار کارمند را اخراج کرده و حقوق کارکنان و بازنشستگان خود را کاهش داده است. حوزه‌ها و شاخه‌های جدید هم به وضعیتی مشابه دچار شده‌اند. «سپچی سوگورو» ۶۹ساله از آن دست افرادی است که زندگی نه چندان راحتی را می‌گذرانند. این مرد بازنشسته در یکی از مراکز ورزشی توکیو نشسته است و در اینجا می‌تواند البته بدون سفارش چای کمی بنشیند و به صورت رایگان روزنامه‌ها را مطالعه کند زیرا صرفه‌جویی برای سوگورو از اهمیتی حیاتی برخوردار است. این مرد ژاپنی از ۱۸سالگی برای یک بانک بزرگ کار می‌کرد. زمانی‌ آن بانک در حکم

جهان



شرکت راه‌آهن توکیو لامپ‌های آبی‌رنگ مخصوصی را بر روی ریل‌ها نصب کرده است تا به این وسیله به فرد نوعی آرامش قبل از ارتکاب به خودکشی دست بدهد. بیش از ۳۰۰ هزار ژاپنی در سال اقدام به مرگ اختیاری می‌کنند و بسیاری از آنها قربانی همین رکود اقتصادی هستند.

ساکنان جزیره ژاپن از ترس آینده روز به روز مصرف خود را کاهش می‌دهند. از نظر ژاپنی‌ها صرفه‌جویی و گاه حتی خساست نوعی فضیلت محسوب می‌شود و همین مساله موجب کاهش قیمت‌ها و متعاقب آن کاهش سود کارخانه‌ها می‌شود. این حالت تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که کارخانه‌ها و شرکت‌ها به کلی ورشکسته شوند.

اما معروف‌ترین محصولات ژاپن هنوز هم مثل سابق تولید می‌شود. شهر توپوتا در غرب توکیو واقع است و با قطار حدود سه ساعت با پایتخت فاصله دارد. این به اصطلاح شهر خودرویی که زمانی کورومو نام داشت در واقع با اقتضانات این بزرگ‌ترین کارفرمای ژاپنی هماهنگ است.

امور بیش از ۴۰۰ هزار نفر از ساکنان شهر توپوتا از فعالیت همین کارخانه می‌گذرد و نشانه‌های بحران فعلی در نگاه اول به چشم نمی‌آید. اما با گشت و گذاری در شهر می‌توان ورشکستگی تعداد زیادی از شرکت‌ها را به چشم دید. این شرکت‌ها تا مدت‌ها هزینه‌ها و قیمت‌های خود را کاهش می‌دادند، بدون آنکه سودی نصیب‌شان شود. هنگامی که دو سال پیش آن «شوک توپوتا» همه ژاپن را فرا گرفت و اروپا و آمریکا خرید خودروهای این شرکت را کاهش دادند، کنسرسیوم توپوتا چاره‌ای جز اخراج هزاران کارگر موقت خود نداشت. این افراد بعد از اخراج دیگر نمی‌توانستند در خانه‌های سازمانی توپوتا زندگی کنند و بسیاری از آنان به عنوان افراد بی‌خانمان به زادگاه‌های خود بازگشتند. با این حال کارخانه توپوتا هنوز هم با قدرت تمام مشغول به کار است و با وجود همه بحران‌ها و خدشه‌دار شدن نام این شرکت به دلیل تولید خودروهای معیوب برای خود غولی به حساب می‌آید. البته این شرکت ادامه حیات خود را مدیون «کوهی سوزوکی» شهردار ۷۱ساله شهر توپوتاست.

سوزوکی را در اتاق کارش ملاقات می‌کنیم. این اتاق یادآور دوران خوب ژاپن و در حد و اندازه سالن‌های بزرگ فروش خودرو است. روی تابلوی پشت میز کار سوزوکی خورشیدی سرخ‌رنگ به چشم می‌خورد و گویی تا چند لحظه دیگر غروب می‌کند اما سوزوکی هم به بحران اعتراف دارد و اراقامی که ارائه می‌دهد به شدت نگران‌کننده است. درآمد شهرداری از محل مالیات‌های توپوتا در سال گذشته به صورتی غیرمعمول کاهش پیدا کرده و این در حالی است که ادامه حیات این شهر به مالیات‌های این کنسرسیوم وابسته است: «واقعاً شوکه شده‌ام.

وضعیت به جایی رسید که حتی بازسازی ساختمان شهرداری متوقف شد و گالری‌های هنری شهر نیز عملاً به تعطیلی کشیده شدند اما سوزوکی به هیچ عنوان هزینه‌های خدمات اجتماعی را کاهش نداد و این تصمیم به مدد آن میلیارداری پنی عملی شد که وی در دوران رونق برای شهر پس‌انداز کرده بود. اما این وضعیت به چه صورت ادامه خواهد یافت؟ سوزوکی مدلی از خودروهای آینده را به ما نشان می‌دهد که ظاهراً با مشارکت آلمان ساخته خواهد شد و با توجه به افزایش ارزش ین و کاهش ارزش دلار و در نتیجه افزایش نرخ صادرات شاید در آینده این شهر محل مناسبی برای کار خانه توپوتا نباشد. اما اگر توپوتا در آینده فقط در خارج از کشور خودروهایش را تولید کند سوزوکی چه کار خواهد کرد: «این مساله‌ای غیرقابل پذیرش است زیرا ادامه حیات شهر ما بدون تولید این خودروها ممکن نیست»

منبع: اشپیگل

یکشنبه ۳۰ آبان ۱۳۸۹

یادداشت

ارتباط بین‌المللی اجلاس ناتو و معاهده استارت

اردشیر زارعی‌قنوتی

نشست دوروزه سران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در روزهای ۱۸ و ۱۹ نوامبر در لیسبون پایتخت پرتغال برای بررسی و تدوین استراتژی جدید بر گزار خواهد شد. همزمان طی روزهای اخیر از سوی «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری امریکا و دیگر مقامات ارشد دولت وی موضوع تصویب معاهده «استارت جدید» در سنای این کشور مطرح و بر تعجیل برای نهایی کردن آن تاکید شده است. در فاز اول بحث و تصمیم‌گیری‌ها از موقعیت سلبی و عکس‌العملی برخوردار است و در فاز دوم رایزنی و تصمیم رهربران ناتو و امریکا در خصوص این مباحث بدون شک از موقعیت ایجابی برخوردار است. شاید افکاک این دو موضوع و موفقیت نسبی با شکست در دستیابی به اهداف تعریف‌شده در هر کدام از گزینه‌های فوق بتواند گامی به جلو تلقی شود ولی با توجه به ارتباط ارگانیک این دو موضوع با مقوله امنیت بین‌المللی، تعامل مثبت با شرکای بیرونی و مصالحه با طرف‌های ثالث تنها راه رسیدن به امنیت پایدار در محیط بین‌المللی خواهد بود. در نقطه کانونی این تصویر چندبعدی قدرت تاثیرگذار روسیه وجود دارد که به جهت سابقه تاریخی و میراث‌داری هژمونی بدیل شوروی سابق همچنان موازنه قدرت نظامی- امنیتی در ژئوپولیتیک شرق- غرب و جهان فراقطبی را مفهوم می‌بخشد. پیمان نظامی ناتو پس از گذشت ۲۸ سال از فروپاشی شوروی و استراتژی گسترش به سمت شرق، عدم موفقیت این طرح برای ایزو لاسیون روسیه را تجربه کرده است و هم‌اینک در نگاه جدید به مسکو آلترناتیو یک شریک تاثیرگذار را می‌بیند. ایالات متحده نیز پس از گذشت دوران پرهزینه سیاست رقابت تسلیحاتی با قطب مخالف در زمان تنازع بین دو اردوگاه و «هژمونی بلامنازع» در فردای پایان جنگ سرد، هم‌اینک متاعی را طلب می‌کند که به نظر می‌رسد در روسیه یافت می‌شود یا حداقل از راه ترانزیت این کشور می‌گذرد. شکست راهبردهای دوران جنگ سرد و تمامیت‌خواهی دوجبهی ناتو- واشنگتن در نظم‌بخشی به نظام بین‌الملل عامل اصلی برای رویکرد جدید به سمت تعامل جمعی در محیط جدید است که میزان موفقیت نشست ناتو در لیسبون یا چالش معاهده استارت جدید در سنای امریکا بیش از هر چیز به این واقعیت عینی ارتباط خواهد داشت. از آنجا که ناتو بر اساس مناکتیسم دفاع از قلمرو آن در خارج از مرزها و بر اساس سیاست تقابل با تهدامات راهبردی کلاسیک نظامی تا به امروز تعریف شده است و دشمن فرضی آن در قالب روسیه (شوروی سابق) دیگر چندان با واقعیات کنونی انطباق ندارد، تجدیدنظر در اصول پایه آن یک امر اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. پیمان آتلانتیک شمالی در ذات درونی خود بعد از حمله



به افغانستان و تاثیرپذیری از شراکت بسیاری از اعضای خود در حمله به عراق دچار اختلاف و پارادوکس‌های درونی و بیرونی حل‌نشده‌ای بوده است که بزوررفت از آن به اولویت اصلی برای تعیین و بقای جایگاه جدید آن تبدیل شده است. در آستانه نشست سران در لیسبون آقای «آندرس فوک راسموسن» دبیر کل ناتو ضمن تاکید بر تجدید ساختار ارتش‌های عضو این پیمان بر ضرورت ایجاد یک سیستم پافندد موشکی برای حفظ امنیت اشاره کرده است. ظاهراً این تاکید و پیشنهاد حاصل توافق جمعی بین اعضای ناتو قبل از نشست آتی است که بدون جلب رضایت روسیه برای مشارکت در سیستم پافندد موشکی درصد موفقیت آن بسیار کاهش یافته و بار دیگر در چرخه منازعات قبلی بین واشگتن- مسکو در خصوص استتار سیستم ضدموشکی در جمهوری چک و لهستان گرفتار خواهد شد. به همین دلیل دو هفته قبل راسموسن در سفر به مسکو و دیدار با «دیمیتری مدودف» رئیس‌جمهوری روسیه در خصوص موقعیت ناتو در افغانستان و نشست سران در لیسبون با وی رایزنی کرده و درخواست مشارکت فعال مسکو- ناتو را مطرح کرد. این روزها در واشگتن بحث معاهده استارت جدید که در ماه آوریل سال جاری میلادی به امضای باراک اوباما و دیمیتری مدودف رهبران دو کشور در جمهوری چک رسید، با توجه به تلاش سیاسی جدید در ساخت داخلی قدرت بسیار داغ شده است. تهدید ستانوها‌ی جمهوری‌خواه مبنی بر اینکه بررسی این طرح باید در سال آینده میلادی و سنای جدید انجام گیرد با واکنش منفی دموکرات‌ها و دولت اوباما روبرو شده است. تقاضای رئیس‌جمهوری برای تعجیل در تصویب این معاهده که توسط «جو بایدن» معاون رئیس‌جمهوری و «هیلاری کلینتون» وزیر امور خارجه امریکا مورد حمایت قاطع قرار گرفت، نشان می‌دهد رهبران واشگتن بر ضرورت و ارتباط ارگانیک این موضوع با امنیت بین‌المللی واقف و حساس هستند. درخواست مدودف از دومی روسیه مبنی بر اینکه تا زمانی که سنای امریکا این معاهده را تصویب نکرده است از طرح و تصویب آن در مجلس اجتناب کنند، نشانگر پیچیدگی و حساسیت تعامل دوجانبه در خصوص امنیت پایدار در محیط بین‌المللی برای مسکو است. اهمیت و ارتباط نشست سران ناتو و بحث معاهده استارت جدید نباید در این سخن «گیود وسترلوه» وزیر امور خارجه آلمان که می‌گوید «ایجاد سیستم پافندد موشکی ناتو باید با خلع سلاح اتمی همراه شود» به بهترین شکل ممکن نمایان باشد. به نظر می‌رسد آینده ناتو و روابط دوجانبه نظامی- امنیتی بین مسکو- واشگتن به نتایج نشست لیسبون و تحولات سنای امریکا در روزها و هفته‌های آینده بستگی خواهد داشت.